



چالش‌ها و موانع رونق تولید در بخش کشاورزی



معاونت علمی پژوهشی
پژوهشکده تحقیقات راهبردی
گروه پژوهش‌های اقتصادی

تهران، خ طالقانی، نرسیده به پل حافظ پ ۳۷۶

۰۲۱-۶۶۴۹۹۱۱۱

۰۲۱-۶۶۹۷۱۶۸۱-۵

کدپستی: ۱۵۹۱۸۱۶۹۱۱

www.csr.ir



مقدمه

بخش کشاورزی به دلیل بر خورداری از نقش حیاتی در تامین امنیت غذایی کشور، ایجاد اشتغال، حفظ منابع طبیعی تجدیدشونده، توسعه پایدار و دارا بودن سهم قابل توجه از صادرات غیرنفتی، یکی از بخش‌های مهم اقتصاد کشور محسوب می‌شود.

این بخش بر اساس طبقه‌بندی فعالیت‌های اقتصادی به زیربخش‌های زراعت و باغبانی، دام و طیور، شیلات، منابع طبیعی و آبخیزداری تقسیم‌بندی می‌شود. رونق تولید در بخش کشاورزی می‌تواند علاوه بر کاهش وابستگی کشور به خارج در زمینه غذا و کالاهای اساسی، نقش قابل توجهی در توسعه اشتغال داشته باشد.

چالش اساسی کشور در زمینه کالاهای اساسی، وابستگی بسیار زیاد تامین خوراک دام به خارج از کشور است. در این رابطه بیش از ۹۰ درصد دانه‌های روغنی (به طور خاص سویا) و ذرت دامی به عنوان یکی از جیره‌های مهم غذای دام و طیور وارداتی است. علاوه بر این روغن خام که برای تولید روغن خوراکی مورد استفاده قرار می‌گیرد نیز وابستگی ۹۰ درصدی به خارج از کشور دارد.

۱- کمبود موجودی سرمایه و ناکارآمدی تامین مالی بخش کشاورزی:

در کنار بر خورداری بسیار پایین بخش کشاورزی از موجودی سرمایه، نحوه توزیع این اعتبارات به طوری که منجر به تقویت تولید شود نیز موضوع مهمی است که شواهد حکایت از آن دارد که سازوکار تخصیص اعتبار در این بخش از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. فقدان ابزار مالی مناسب جهت تامین مالی طرح‌های میان مدت و بلندمدت، فقدان بازار مالی کارآمد برای بخش کشاورزی و ناتوانی آن در تامین منابع مالی مورد نیاز سرمایه‌گذاری، روند توسعه این بخش را کند نموده است. ضعف ساختار نهادها و بازارهای مالی و اعتباری کشاورزی و مداخلات ناکارآمد دولت در این بازار نظیر وضع نرخ سود ترجیحی و اعطای اعتبارات یارانه‌ای و اعطای تسهیلات تکلیفی سیستم بانکی به دولت که سهم‌بری بخش خصوصی را در جریان اخذ اعتبارات به شدت کاهش داده بخشی از مهمترین چالش‌های حوزه مالی و سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی ایران است.

۲- ضعف در زیرساخت‌های خدمات بازرگانی و لجستیک:

در لجستیک کشاورزی حلقه‌های متعددی ایجاد شده است که باعث می‌شود «قیمت» محصول تا چندین برابر افزایش یابد؛ افزایشی که لزوماً با افزایش «ارزش» محصول همراه نیست. این زنجیره نه تنها سهمی عادلانه از قیمت نهایی محصول را به کشاورز پرداخت نمی‌کند بلکه با قدرتی که در خود گسترانیده است، او را در موضع ضعف قرار می‌دهد تا در پایین‌ترین قیمت ممکن و با کمترین حاشیه سود محصولش را به فروش برساند. علاوه بر این سالانه مقادیر زیادی از محصولات کشاورزی و مواد غذایی که با صرف هزینه، زمان و منابع تولید می‌شوند به دلیل عدم وجود زیرساخت‌های لجستیکی مثل مراکز انبار و توزیع کالا، به صورت ضایعات از بین رفته و خسارت بزرگی برای بخش کشاورزی کشور ایجاد می‌کند.

۳- عدم تقارن اطلاعات در بازار محصولات کشاورزی:

به طور معمول کشاورزان با وجود داشتن دانش تجربی، دسترسی کمتری به اطلاعات موجود در اقتصاد و ابزارهای در دسترس برای تحلیل بازار دارند. همچنین، به طور معمول و با فرض داشتن کشاورزی خرد و بدون بیمه، آسیب‌پذیری کشاورزان در مواجهه با نوسان‌های قیمتی بیشتر است و در نتیجه ریسک شدیدتری را هم در بازار پرنوسان و ریسکی محصولات کشاورزی متحمل می‌شوند. ساختار کشاورزی ایران به شکل خرده‌مالکی است. از دهه ۱۳۴۰ که طرح اصلاحات اراضی انجام شد، خریدن زمین‌های کشاورزی شکل گرفت.

بنابراین کشاورزان خرده‌پاشدند و در نتیجه قدرت چانه‌زنی در برابر قیمت بازار را ندارند و به هر

خریداری که از راه برسد، محصول خود را می‌فروشند تا زودتر به پول برسند. نقش تک‌تک این کشاورزان به صورت فردی در بازار تعیین‌کننده نیست و بنابراین کشاورز نمی‌تواند در مقابل قیمت پایین ایستادگی کند یا توان این را داشته باشد تا مدتی محصول خود را نفروشد. از سوی دیگر نقدینگی هم ندارد تا محصول خود را انبار کند و در زمان مناسب بفروشد. انتقال نامتقارن اطلاعات قیمتی باعث می‌شود که اگر قیمت در بازار بالا برود، با سرعت و میزان بسیار کمتری در مزرعه افزایش می‌یابد؛ به عنوان مثال اگر قیمت خرده‌فروشی در بازار به هر دلیلی ۱۰ درصد افزایش یابد، این افزایش در بخش مزرعه تنها دو خواهد بود.

راهکارهای پیشنهادی

۱- افزایش سرمایه‌گذاری و هدایت اعتبار به بخش کشاورزی:

در نظام بانکی ایران، بانک کشاورزی به عنوان مهمترین بانک تخصصی اعطاکننده اعتبار به بخش کشاورزی، نقش موثرتری در تامین سرمایه مورد نیاز این بخش دارد. این بانک عمده‌ترین موسسه رسمی تامین اعتبارات بخش کشاورزی در ایران است به گونه‌ای که بیش از ۶۶ درصد از اعتبارات و تسهیلات این بخش را تامین می‌کند. پرداخت دیون دولت به بانک‌ها و به ویژه بانک کشاورزی قدرت وام‌دهی بانک کشاورزی را افزایش خواهد داد و تاثیر مثبتی در بهبود سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی خواهد داشت. علاوه بر این، اختصاص ۱۵ درصد تسهیلات بانک‌های عامل غیرتخصصی به بخش کشاورزی، اختصاص تسهیلات به بخش خصوصی از محل صندوق توسعه ملی، افزایش سرمایه صندوق حمایت از بخش کشاورزی نسبت به سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی (سالانه ۷ درصد) و تلاش برای اعمال ردیف‌های اعتباری و تامین اعتبار به اندازه و به موقع فعالیت‌های مرتبط با زیربخش‌های کشاورزی از جمله اقداماتی است که می‌تواند به بهبود روند تشکیل سرمایه ثابت در بخش کشاورزی و افزایش سرمایه‌گذاری در این بخش کمک کند.

۲- توسعه قراردادهای آتی محصولات کشاورزی در بورس کالای ایران:

بر اساس شواهد در کشورهای توسعه یافته خرید محصولی مانند گندم به صورت آتی^۱ بوده و برای ۳ الی ۴ سال آینده می‌توان ارزش فروش یک محصول را محاسبه کرد. ولی در ایران این خریدها عملاً به صورت نقدی انجام می‌شود و معاملات سلف^۲ و آتی مورد استفاده قرار نمی‌گیرند. یکی از اصلی‌ترین مزایای قراردادهای آتی، امکان پوشش ریسک نوسانات قیمتی توسط این قراردادهاست.

Futures - ۱

Forward - ۲

توسعه این ابزارها در کنار آموزش کشاورزان می‌تواند یکی از دغدغه‌های اصلی این قشر که نوسانات قیمت محصولات کشاورزی در اثر عدم تقارن اطلاعات در بازار است را برطرف سازد.

۳- توسعه کشت گلخانه‌ای و سامانه‌های نوین آبیاری:

کشت گلخانه‌ای یکی از روش‌های نوین تولید محصولات باغی و صیفی‌جات است که به دلیل استفاده از سیستم‌های آبیاری تحت فشار، نقش مهمی در افزایش بهره‌وری و صرفه‌جویی در مصرف آب ایفا می‌کند. از مهمترین مزایای کشت گلخانه‌ای می‌توان به افزایش تولید در واحد سطح اشاره کرد. به این معنا که به عنوان مثال در کشت سنتی در یک متر مربع می‌توان ۲ کیلوگرم خیار تولید کرد که در کشت گلخانه‌ای این رقم به ۲۰ کیلوگرم می‌رسد. عدم وابستگی تولید به شرایط محیطی، امکان بازاریابی مناسب و تنظیم برنامه کشت مطابق با نیاز بازار و ایجاد اشتغال برای دانش‌آموختگان رشته کشاورزی نیز از دیگر مزایای کشت گلخانه‌ای است.

۴- اجرای الگوی بهینه کشت سرزمینی:

اجرای الگوی کشت محصولات کشاورزی به ویژه در شرایط کنونی که کشور با چالش آب مواجه است، بسیار ضروری به نظر می‌رسد، ضمن اینکه هر سال شاهد نوسانات شدیدی در بازار برخی از محصولات کشاورزی هستیم که به دلیل عدم رعایت الگوی کشت گاهی تولید آنها کم می‌شود و گاهی حجم تولید آنقدر بالا می‌رود که کشاورزان و مسئولان نمی‌دانند باید با مازاد آن چه کنند. هدف از تعیین الگوی کشت این است که ظرفیت‌های طبیعی و غیرطبیعی هر منطقه به نحو مطلوبی در فرایند تولید کشاورزی به خدمت گرفته شود تا بیشترین عملکرد و بیشترین تولید به شکل پایدار حاصل شود. در این راستا ضروری است اجرای الگوی کشت توسط وزارت جهاد کشاورزی و با همکاری تشکل‌های خصوصی بخش کشاورزی به سرعت در دستور کار قرار گیرد.

۵- تاسیس پارک‌های لجستیک کشاورزی:

طبق بررسی‌های به عمل آمده یکی از مهم‌ترین علل ایجاد ضایعات در محصولات کشاورزی مربوط به مراحل مختلف قبل از تولید، تولید، برداشت، حمل و نقل، بسته‌بندی و دسته‌بندی، ذخیره‌سازی و انبار، فرآوری و توزیع می‌شود. پارک لجستیک کشاورزی، مرکز لجستیکی است که بر فعالیت‌هایی در حوزه تجمیع، انبارداری، نگهداری، توزیع و خدمات ارزش افزوده محصولات کشاورزی تمرکز دارد. ضرورت احداث این پارک‌ها، کاهش تلفات و ضایعات محصولات کشاورزی است. راهکارهای کاهش ضایعات شامل ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی، تنظیم زمان برداشت صحیح، ارتقای فناوری انبارداری، افزایش کیفیت بسته‌بندی و حمل و نقل محصولات کشاورزی

است. براساس سند آمایش مراکز لجستیک کشور، استان فارس و جنوب استان کرمان به ترتیب با تولید ۱۲ و ۷ درصد از کل محصولات کشاورزی کشور در اولویت تاسیس پارک لجستیک کشاورزی هستند.

۶- اجرای کامل قانون تمرکز، مدیریت واردات و تقویت بخش بازرگانی وزارت جهاد کشاورزی:

از آنجاکه مهمترین نکات قانون تمرکز، یکپارچگی و مدیریت کلیه اختیارات و وظایف مرتبط با بخش کشاورزی اعم از تولید، توزیع و مصرف شامل تنظیم بازار داخلی و خارجی بود، مقرر شد وظایف و اختیارات مزبور، همراه با کلیه الزامات و ابزار آن از وزارت صنعت، معدن و تجارت جدا شده و به وزارت جهاد کشاورزی منتقل شود. همچنین تصمیمات اضطراری و تخصیص منابع ارزی یا دستکاری تعرفه واردات کالا برای واردات با هدف پایین کشیدن قیمت‌ها و رفع کمبودها، برای تولیدکننده داخلی زیانبار خواهد بود. در این راستا ضروری است نقش وزارت جهاد کشاورزی به عنوان متولی اختیارات و وظایف تجاری بخش کشاورزی حفظ و تقویت شده و از اقداماتی نظیر تاسیس وزارت بازرگانی به بهانه تنظیم بازار ممانعت به عمل آید.

نتیجه‌گیری

چالش‌های اساسی بخش کشاورزی ایران وابستگی بالای تامین خوراک دام، دانه‌های روغنی و روغن خام به خارج از کشور، کمبود سرمایه‌گذاری و موجودی سرمایه در بخش کشاورزی، ضعف در زیرساخت‌های لجستیک و نیز عدم تقارن اطلاعات بازار محصولات کشاورزی است. راهکارهای اصلی برای برطرف کردن چالش‌های مذکور و رشد و توسعه بخش کشاورزی در ایران شامل افزایش سرمایه‌گذاری و هدایت اعتبار به بخش کشاورزی، اجرای الگوی بهینه کشت سرزمینی، توسعه کشت گلخانه‌ای و سامانه‌های نوین آبیاری و نیز اجرای کامل قانون تمرکز، مدیریت واردات و تقویت بخش بازرگانی وزارت جهاد کشاورزی است.

